



بررسی نسبت ماه مبارک رمضان با آیین‌های اجتماعی به بهانه پوشش «افطاری ساده»

فرا تر از یک هشتگ

صادق فرامرزی

۲ رمضان؛ عبادتی فردی یا آیینی اجتماعی



خود را جلوه‌گر کند، به زبان ساده هر قدر که در امر نماز جنبه «جماعت» آن خود را تبدیل به امری اجتماعی در طول تاریخ و تمدن ملل کرده است اما روزه به‌عنوان عملی «فردی» محدود به حوزه خصوصی روزه‌داران مانده است که در حد اکثری‌ترین حالت با جنبه‌ای سلبی در جهت مبارزه با روزه‌خواری خود را در سطحی اجتماعی جلوه‌گر کرده است و این فردی شدن روزه‌داری در درازمدت باعث شده رمضان بیشتر به‌عنوان ماهی در جهت تزکیه فردی شناخته شود و کمتر اثری دال بر یک آیین جمعی که همه را درگیر خود کند، در جامعه ما به وجود نیآورده است.

شاید یکی از ابتدایی‌ترین سوالات در مطالعه جامعه‌شناختی «ماه مبارک رمضان» ابهام در جنبه فردی یا جمعی پدیده روزه‌داری باشد. وجود مجادلاتی که هر کدام به ظن آنکه باید حقوق روزه‌داری در سطح فردی یا جمعی رعایت شود، روشن‌ترین مثال از این مسأله است که هر ساله و در آستانه آغاز این ماه بخشی از گفت‌وگوهای اجتماعی را پوشش می‌دهد. با تمام این اوصاف آنچه غیرقابل انکار به نظر می‌آید آن است که ماه رمضان حداقل در جامعه ایران دارای کمترین جنبه «آیینی» و تقریباً فاقد «ماد» است. یک قیاس ساده میان ماه رمضان به‌عنوان ماهی برای روزه‌داری با ماه محرم به‌عنوان ماهی برای عزاداری گذشته از ماهیت تفکیک‌شده هر کدام گویای این نکته است که اساساً ماه رمضان و عمل روزه‌داری در جامعه ایران فاقد کمترین آیین‌های جمعی بوده و در بستر یک عمل فردی خود را معنا کرده است. در چنین شرایطی تنها جنبه اجتماعی این ماه نیز که در

۱ نمادها و آیین‌های مذهبی در آینه روزگار



سرکوب‌های مذهبی قرون اخیر چه در داخل و چه خارج از کشورمان بخوبی گواه آن بوده که همواره در نخستین گام برای تضعیف نهضت و جنبش‌های دینی مانع از بروز و ظهور یافتن آیین‌های مذهبی (ممنوعیت برگزاری مجالس عزاداری در دوره رضاخان و نماز جماعت در مسجداصلی توسط رژیم صهیونیستی) و نمایش نمادهای دینی (قانون ممنوعیت حجاب) شده‌اند. گویی که اجتماعی پذیرفته شده در این باب وجود دارد که از نوا با نقش آفرینی هر دین در گرو قوت و ضعف در پیاده‌سازی نمادها و آیین‌های جمعی آن بوده است.

شعبه نیز باعث شده اصلی همچون «تقیه» که باعث پنهان‌سازی اعتقادات دینی و تظاهر نکردن عمومی به آیین‌های مذهبی است، جز در مواردی معدود هرگز جایز شمرده نشود. نقش نمادها در زنده نگاه داشتن این پویایی دینی موجب شده در اکثر اوقات نهضت‌آفرینی دین را با نمادهای مذهبی آن و آیین‌هایی که جنبه‌ای جمعی دارند بشناسند. مثال پیروزی انقلاب اسلامی و تکرر نمادهای دینی که تقریباً تمام ساحت‌های یک مبارزه سیاسی-اجتماعی را فتح کرده بود، نشان‌های گویا از این موح آفرینی اجتماعی در سایه غلبه یافتن نمادهای دینی است. توصیه به برگزاری عباداتی همچون نماز به شکلی جمعی در نماز جماعت و جمعه، شکل گرفتن عزاداری‌ها و جشن‌های مذهبی در شکل و شمابلی جمعی همچون ماه محرم، موسم حج به‌عنوان بزرگ‌ترین گردهمایی مسلمانان در زمان و مکانی واحد و مصادیقی از این دست همواره نشانه و جلوه‌ای از تبدیل شدن امر فردی دینداری با آیینی نمادین و جمعی بوده است. تجربه عمده

هر چند هرگونه عمل دینی در نهایت معطوف به ایمانی درونی نسبت به دایره مقدسات و ارزش‌های پذیرفته شده توسط فرد دیندار تعریف می‌شود اما نمادها و آیین‌های جمعی دینداری را می‌توان نخستین مرحله ورود امر دینداری به دایره نقش آفرینی‌های اجتماعی و سیاسی حساب کرد. نسبت داشتن عمده میراث تاریخی جوامع با ادیان و نوع دینداری ساکنان نشان گواهی روشن از این امر است. برای مثال نسبت معماری عمده تمدن‌ها با ادیان‌شان نسبتی غیرقابل انکار است که نشان‌دهنده نفوذ امر دینداری به عینی‌ترین جلوه‌های زیست‌جمعی همچون معماری و ساخت‌وساز است. «آنتونی گیدنز» جامعه‌شناس معاصر نیز در این‌باره معتقد به آن بود که «سازشی‌ترین تحولات فکری از جمله تصور زمان و مکان نخستین بار بر حسب مقولات مذهبی تعریف شد. برای مثال مفهوم زمان در آغاز از شمارش فواصل موجود بین مراسم دینی به‌وجود آمد». نفوذ یافتن این نمادها و آیین‌ها در دین اسلام و مذهب

۴ افطاری‌های ساده عمومی؛ ضد رفتاری علیه وضع موجود



نخستین چیزی پیش از یک پذیرایی صرف باشد اما باعث می‌شود این ماه و تعهد دینی به اعمال آن خود را در قالب یک فرهنگ نمادین تعریف کنند. برای مثال هر چند که صرف «حراکت» به‌عنوان یک نماد در موسم اربعین شناخته می‌شود که نشانی از حرکت شیعیان به سوی امام‌شان و بیعت با او را دارد اما عمده ظرف‌ت‌های نمادین این حرکت حاصل از ظهور و بروز خدمت‌رسانی شیعیان نسبت به یکدیگر در این مسیر است. تبدیل رمضان به ماهی که جنبه آیینی آن، روزه‌داری را فراتر از عملی فردی تبدیل به رفتاری اجتماعی می‌کند نیز می‌توان در این قالب گنجانید.

مساله لزوم گسترش افطاری‌های ساده برخلاف افطاری‌های تجملی و همچنین تأکید بر جنبه عمومی برخلاف تعدد محافل خصوصی در این امر را که در چند سال اخیر توسط رهبر معظم انقلاب مورد تأکید قرار گرفته است می‌توان به‌عنوان پیش‌فرضی در جهت کیفیت آیینی بخشیدن به رفتار مذهبی در ماه مبارک رمضان دانست. تبدیل کردن ۲ گزاره «تجملی» و «خصوصی» به «ساده» و «عمومی» دقیقاً نخستین گام در این عرصه محسوب می‌شود که بر اساس آن می‌توان اینگونه صورت‌مسئله را تعریف کرد که فراتر از جنبه سلبی و اجتماعی مبارزه با روزه‌خواری تبدیل کردن روزه‌داری به آیینی جمعی که خود را در قالب یک منظر بیرونی و ایجابی معنا می‌بخشد، باعث می‌شود ظرفیت آیینی و نمادین این ماه بیش از پیش اهمیت یابد. تعریف شدن رسالت‌دینداری در چنتی که نموده‌اند باید باعث می‌شود رفتارهایی از این دست در یک ظرف زمانی بلندمدت فضای اجتماعی را به سمت یک همگرایی در پاسداشت از

۳ از دین اجتماع تا اجتماع دینی



دینی تفسیر شود. اجتماعی کردن جنبه‌های معنوی روزه‌داری به‌عنوان واجبی مشترک بر مسلمانان وابسته به آن است که نماز و نمود این عمل خود را در قالب آیین‌های اجتماعی جلوه‌گر کنند. انداختن نگاهی ساده بر روند آیین شدن عزاداری‌های مذهبی به شکلی عیان نشانی از این حقیقت دارد که در جریان آیین‌سازی آنچه اهمیت دارد تبدیل کردن بخش عینی یک ارزش ذهنی در قالب عملی جمعی است، فی‌الواقع تا زمانی که این افراد تعهد خود را در جلوه‌هایی از رفتار مذهبی تعریف نکنند آن رفتار تبدیل به یک آیین نمی‌شود.

«فردی کردن دینداری» و ایستادن مقابل جنبه‌های جمعی و سیاسی دینداری است که در پوشش آیین‌های جمعی و نمادین خود را نشان می‌دهد. تفسیر دینداری به عاملی «صرفاً» در جهت تزکیه فردی و محدود کردن آن به حوزه خصوصی افراد و چشم‌پوشی نسبت به ظرفیت بالقوه اجتماعی این آیین‌ها باعث می‌شود در نهایت با نفعی اجتماعات دینی به تفسیرها و رسالت‌های اجتماعی دین نیز چندان توجهی نشود. تپی شدن رمضان به‌عنوان یک پدیده گسترده عبادی که فاقد نماد و نمود اجتماعی است باعث شده تفسیرهای کلی از این ماه آن را در زمره جنبه‌های فردی دینداری قرار داده و باعث شود کمتر توجهی به جنبه‌های اجتماعی آن نشود. عینیت یافتن روزه‌داری در حوزه خصوصی زندگی و حتی نمود دادن آن به محیط‌های صرف خانوادگی در نهایت مسیر را به سمت و سویی می‌برد که هر آنچه در این قالب شکل می‌گیرد نیز فاقد توانایی در ظهور و بروز دادن به ارزش‌های

آنچنان که تا به اینجا گفتم آنچه حد واسطی از دینداری و پایبندی به شریعت و تبدیل شدن دینداری به نهضت اجتماعی و سیاسی محسوب می‌شود جنبه «آیینی» و «نمادین» دینداری است که با توانایی بسیج‌کنندگی توده‌ها و نفوذ به ساحت‌های عیان زیست اجتماعی باعث می‌شود رفتار دینی مبتدا به جلوه‌های از تغییر رویکرد کلان شود. تجربه گردهمایی‌های دینی و تبدیل شدن آیین‌های مذهبی به جنبش‌های اجتماعی و سیاسی در قالب پدیده‌هایی همچون «راهپیمایی اربعین» باعث شده این آیین‌ها تبدیل به سرمایه‌های اجتماعی و معنوی در جریان حرکت نهضت‌ها و جنبش‌های دینی در سال‌های اخیر شود. با این‌گونه تقریباً می‌توان اینگونه قضاوت کرد که حداکثری‌سازی ظرفیت‌های دینی در گرو تبدیل کردن رفتار دینی به آیین‌های جمعی و نمادین و همچنین عبور از پوسته فردمحور دینداری است. در سطحی نظری حتی می‌توان اینگونه اندیشید که سکولاریسم میوه اندیشه

کار شایسته‌ای است - در مقابل افطاری‌های مسرفانه‌ای که شنیده شد، دانسته شد که بعضی‌ها به‌بهانه افطار، حرکات و عمل مسرفانه انجام می‌دهند و به جای اینکه در ماه رمضان وسیله‌ای بشوند برای نزدیکی روحی به فقرا و مستمندان، با این عمل، با این حرکت، خود را در لذت جسمانی غرق می‌کنند. نمی‌خواهیم بگوییم که اگر در افطار، کسی غذای مطبوعی مصرف کرد، این کار ممنوع است؛ نه در شرع اینها ممنوع نیست؛ اسراف ممنوع است، زیاده‌روی ممنوع است، ریخت‌وپاش فراوانی که گاهی در این‌توجر مجالس انجام می‌گیرد، ممنوع است. چه بهتر که کسانی که می‌خواهند افطاری بدهند، با همین سنتی که رایج شده است، افطاری بدهند؛ که مردم را، رهگذران را و کسانی را که می‌آیند از افطاری استفاده کنند، در این سفره‌های رایگان و با بذل و بخشش و گشاده‌دستی، در کوچمه‌ها، در خیابان‌ها، در حسینیه‌ها، افطاری می‌دهند». بررسی تأکیدات رهبر انقلاب بر موضوع افطاری ساده نشان می‌دهد در حقیقت ایشان به دنبال بسط فرهنگ افطاری ساده و فرهنگ‌سازی در این مقوله‌اند، چرا که از طرفی افطاری ساده، در نقطه مقابل «افطاری مسرفانه» قرار دارد که ناشی از سبک زندگی مصرف‌گرای افراد است و از طرف دیگر باعث فراگیری فرهنگ «نفاق» یعنی انتقال توجه از «خود» به «دیگران» و در نتیجه تغییر فضای شهری می‌شود. از همین رو پایگاه‌اطلاع‌رسانی KHAMENEI.IR در سال ۹۳، اقدام به فراخوان ارسال عکس از برگزاری مراسم افطاری ساده در سطح شهرها کرد. چند روز بعد از این فراخوان، موج اجتماعی گسترده‌ای در فضای مجازی و واقعی راه افتاد و بیش از ۱۰۰۰ عکس به سایت KHAMENEI.IR ارسال شد. البته پیش از این تعداد نیز عکس‌های مختلفی از مکان‌های توزیع افطاری ساده در سراسر کشور در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد و چند برنامه و گزارش رسانه ملی نیز به این موضوع اختصاص پیدا کرد. دامنه افطاری ساده البته فراتر از شهر تهران به سایر شهرهای کشور رفت و حتی در برخی روستاهای کشور عزیزمان نیز این سنت حسنه انجام شد. شاید مجموع این اقدامات بود که موجب شد رهبر انقلاب در خطبه‌های نماز عید سعید فطر سال ۹۳ از فراگیری بیشتر این موضوع احساس رضایت و چنین اشاره کنند: «آنچه انسان در این ماه رمضان، در میان این اعمال شخصی و عمومی و مردمی و اجتماعی مشاهده می‌کند، اطعام مردم به‌صورت عمومی و به‌صورت افطاری ساده و هنگامی در بین مردم ما بود که به‌عقلانده رایج شده است. سال گذشته از مردم عزیزمان خواهش شد تشریفات افطار را کم کنند، کمت ضیافت‌شوندگان در افطار افزایش بدهند؛ امسال در مراکز عمومی، در مراکز مقدس، در خیابان‌ها، در افطاری ساده اگر چه ساده است و ساده برگزار می‌شود اما دارای تأثیرات شگرف فردی و اجتماعی است که کمترین آن ایجاد روحیه گذشت و ایثار و توجه به دیگران، و به مرور ساخت شهری بر مبنای شاخص‌های یک شهر اسلامی است. شهری که در آن، روابط اجتماعی افراد پیش از هر چیز دیگری بر مبنای «دین» و «آموزه‌های دینی» است. حسینیه‌ها در جای جای کشور، خیریه‌هایی که به ما رسید، نشان‌دهنده این بود که مردم همت کرده‌اند و این کار را توسعه داده‌اند. توصیه این حقیر این است که این‌توجر چیزها را - که در شکل دادن به سبک زندگی اسلامی تأثیر می‌گذارد - هر چه بیشتر توسعه بدهید».

پای درس رهبر دغدغه‌های قدیمی برای شهری اسلامی

گسترش و تعمیم سنت افطاری‌های «ساده» در مکان‌های عمومی» از مهم‌ترین توصیه‌های چندساله اخیر رهبر معظم انقلاب بوده است که سایت ایشان نیز طی این چند سال در قالب پوشش‌های مجازی تلاش بر جا انداختن آن در فضای عمومی و در جریان از تقای سبک زندگی داشته است. پوشی که ابتدا با یک دعوت آغاز و پس از مدتی با فراگیری گسترده در عمده مناطق کشور اجرایی شد، از جهاتی جزو پرنرنگ‌ترین اقدامات اجتماعی بدنه متدین جامعه در سال‌های اخیر محسوب می‌شود. باز خوانی توصیه‌های رهبر انقلاب در این مورد اما گویای آن است که دغدغه فراگیری این سنت از قدیمی‌ترین آرزوهای ایشان بوده و در طول ۳ دهه اخیر بارها به آن اشاره و مردم را دعوت به پیاده‌سازی آن کرده‌اند. آرزویی که هر چند بخش اجرایی شده آن با حالت کلان و ایده‌آلس فاصله‌های زیاد دارد اما می‌توان آن را جزئی تفکیک‌ناپذیر از تغییرات اجتماعی سال‌های اخیر دانست. رهبر انقلاب ۲۷ سال پیش و برای نخستین بار بود که طرح فراگیر افطاری ساده در معابر و مکان‌های عمومی را مطرح و از